

ادوار و مراحل تفسیر قرآن

با بررسی کتابهای گوناگون علوم قرآنی و بویژه کتابهای تفسیر و با توجه به روایات و احادیثی که در کتابهای مربوط به دست ما رسیده، معلوم می‌گردد که علم تفسیر قرآن از زمان حضرت رسول ص تا کنون سه دوره جداگانه سپری کرده است :

الف - دوره اول ، تفسیر در عصر حضرت پیغمبر .

ب - دوره دوم ، تفسیر در عصر تابعین .

ج - دوره سوم ، تفسیر در عصر تدوین .

در این گفتار حدود و مختصات و مراجع تفسیر را در هر یک

از دوره‌ها به اندازه گنجایش در یک مقاله معرفی می‌کنیم :

۱- دوره اول ، تفسیر در عصر حضرت پیغمبر

طبیعی است که آورنده قرآن مجید یعنی حضرت پیغمبر ، این

کتاب را کلا و جزءاً و بطور مجمل و مفصل می‌دانست چون خداوند

او را به حفظ و بیان آن مکلف ساخته بود « ان علينا جمعه و قرآنه ،

فاذا قرأناه فاتبع قرآنه ، ثم علينا بیانه » .^۱

اما اصحاب پیغمبر ، هر چند به طور طبیعی مفهوم آیات واحکام قرآن را می دانسته اند ولی برای درک تفصیل و دریافت دقیق و فهم نکات باریک و مسائل دشوار قرآن مجید ناچار به رسول خدا رجوع می کردند .

حتی گاهی در فهم مفردات و ترکیبات قرآن نیز با دشواری مواجه می شدند چنانکه ابو عبیده از طریق مجاهد از ابن عباس روایت می کند که گفته : مفهوم «فاطر السموات» را نمی دانستم تا اینکه دو عرب آمدند که درباره چاهی اختلاف داشتند و هر کدام می گفت: «انافطرتها» منظورش این بود که من اول بار آن را بوجود آوردم^۱.

پس وقتی ابن عباس - ترجمان القرآن - مفهوم «فاطر» را پس از شنیدن از دیگری درک می کند ، تکلیف دیگران روشن می شود. از طرف دیگر همه صحابه از لحاظ قدرت فهم و درک بیان معانی آیات، یکسان نبوده اند یعنی بعضی از آنان در آیات قرآن به مطلبی نکته ای پی می برده که بنظر دیگران نمی رسیده است .

بعضی از اصحاب در لغت اطلاع وسیع داشتند پس معانی مفردات قرآن را زودتر درک می کردند ، بعضیها اغلب ملازم حضرت پیغمبر بودند بنابراین اسباب نزول آیات را آن چنان می دانسته اند که دیگران نمی دانسته اند . اما بی تردید اغلب صحابه به معنی اجمالی آیات بسنده می کرده اند و برای دریافت تفصیل و حل مشکلات به خود پیغمبر یا دیگر صحابه رجوع می نمودند .

مفسران مشهور از صحابه حضرت رسول

از صحابه حضرت پیغمبر عدۀ کمی در تفسیر شهرت داشتند . سیوطی در الاتقان صحابه‌ای را که در تفسیر شهرت یافته‌اند آورده است بدین ترتیب :

حضرت علی ع ، ابوبکر ، عمر ، عثمان ، ابن مسعود ، ابن عباس ، ابی بن کعب ، زیدبن ثابت ، ابو موسی اشعری ، عبدالله بن زبیر .
از میان این‌عده ، مشهورتر از همه ، اول حضرت علی است که بیش از همه اسرار آیات و نکات باریک قرآن را می‌دانست تا آنجا که ابن عباس گفته است «هرچه در تفسیر قرآن مجید اخذ کرده‌ام همه را از علی بن ابوطالب آموخته‌ام»^۱ و نیز از ابوالطفیل روایت شده که در حضور حضرت علی بودم که فرمود «سلونی ، فوالله لانسألونی عن شیء الا اخبرتکم و سلونی کتاب الله ، فوالله ما من آیه الا وانا اعلم ابلیل «نزلت ام بنهار . ام فی سهل . ام فی جبل» . حضرت علی گویا تفسیر کاملی داشته ولی تا امروز بدست نیامده است .

دوم عبدالله ابن عباس است که او را ترجمان القرآن نامیده‌اند زرکلی تصریح می‌کند که هر گاه در تفسیر تعارضی بین روایات منقول از صحابه پیش آید قول ابن عباس مقدم بر دیگران است و نیز در حق او گفته‌اند که «طریقه لغوی را در تفسیر قرآن ابن عباس اختراع

۱- البرهان فی علوم القرآن ۱۵۷/۲ .

۲- الاتقان ۱۸۷/۲ ؛ اسدالغابه ۲۵۶/۳ .

کرده است»^۱. تفسیری به نام «تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس» از او در مصر به چاپ رسیده که ابو طاهر محمد بن یعقوب فیروز آبادی صاحب قاموس المحيط آنرا جمع آوری کرده است .
سوم عبدالله بن مسعود است که ابن جریر و غیره خیلی از او روایت کرده اند .

چهارم ، ابوالطفیل ابی بن کعب است که یکی از کاتبان وحی و اعلم صحابه بود در قرآن مجید و روایتهای زیادی از او در تفاسیر قرآن آمده است^۲ .

مراجع تفسیر در این دوره

صحابه در این عصر برای تفسیر قرآن مجید به چهار مرجع رجوع می کردند :

الف - قرآن کریم

ب - حضرت رسول ص

ج - اهل کتاب از یهود و نصاری

د - اجتهاد و قوه استنباط

۱- المذاهب الاسلامیه فی تفسیر القرآن ۶۹ - بنقل ازان تفسیر والمفسرون

۰ ۷۵/۱

۲- اسدالغابه ۵۱/۱ - ۴۹

مرجع نخست (قرآن کریم)

قرآن مجید کتابی است مشتمل بر ایجاز و اطناب و اجمال و تبیین و اطلاق و تقييد و عموم و خصوص . مطلبی را در جایی خلاصه می گوید و در جای دیگر همان را بسط می دهد . باز موضوعی را در جایی مجمل و در جای دیگر مفصل بیان می دارد . یا آنچه در محلی مطلق آمده در محل دیگر مقید می آید و آنچه در آیه ای عام است در آیه دیگر تخصیص درش داخل می شود .

بنابراین هر کس به تفسیر قرآن پردازد قطعاً و بناچار باید در خود قرآن آن قدر ممارست داشته باشد که آیات این کتاب خدا همیشه در برابر چشم و در مد نظرش باشد تا بدین ترتیب ایجاز را با اطناب و اجمال را با تبیین و اطلاق را با تقييد و عام را با خاص کشف کند . پس نخستین مرجع و منبع تفسیر قرآن عبارت از خود قرآن است و صحابه پیغمبر نیز برای درک معنی آیات از آن استفاده می کرده اند .

مرجع دوم (حضرت پیغمبر)

طبیعی است که صحابه پس از قرآن مجید در تفسیر و درک معانی آیات هر کجا به اشکال برمی خورده اند یا علاقه مند فهم تفصیل بوده اند به خود حضرت پیغمبر رجوع می کرده اند و از آن حضرت سؤال می کرده اند و حضرت نیز پاسخ سؤال را می داده و مشکل را حل می فرموده است . چنانکه می بینیم کتابهای سنت بابی را به تفسیر مأثور از رسول خدا اختصاص داده اند مثلاً احمد و ترمذی و دیگران از عدی بن

جبان روایت کرده‌اند که گفته :

حضرت رسول فرمود: «مغضوب علیهم» یهود است «ولا الضالین» نصاری . و نیز ترمذی در صحیحش از ابن مسعود روایت می‌کند که حضرت پیغمبر فرمود : «صلات وسطی» نماز عصر است^۱. نهایت ، درباره تفسیر مسأثور از خود پیغمبر دانشمندان سه نظر دارند :

بعضیها گفته‌اند حضرت پیغمبر همه قرآن را توضیح فرموده است . در رأس این گروه ابن تیمیه قرار دارد^۲. بعضیها را نظر بر این است که حضرت پیغمبر خیلی کم به توضیح آیات پرداخته ، که در رأس این گروه هم خولی و سیوطی قرار دارند^۳. پاره‌ای از علما هم احادیث مربوط به تفسیر قرآن را از پیغمبر نمی‌دانند چنانکه از امام احمد نقل شده که احادیث مربوط به تفسیر قرآن از پیغمبر به اسناد صحیح متصل ندارد^۴. احمد امین مصری هم بر این جمله اشاره می‌کند که : ظاهر این جمله می‌رساند که احادیثی که در تفسیر وارد شده و منسوب به پیغمبر است صحیح نیست^۵.

۱- الاتقان ۱۹۱/۲ .

۲- رك : به مقدمة اصول تفسیر ۵۸ - بنقل از التفسیر والمفسرون

۰۲۹/۱

۳- الاتقان ۱۷۴/۲ و ۱۷۹ .

۴- الاتقان ۱۷۸/۲ .

۵- ضحی الاسلام ۱۴۱/۲ .

مرجع سوم (اهل کتاب از یهود و نصاری)

مرجع سوم تفسیر قرآن مجید در این عصر اهل کتاب از یهود و نصاری بودند . می‌دانیم که قرآن در پاره‌ای از مسائل با تورات اتفاق رأی دارد . مخصوصاً در قصص انبیا و آنچه مربوط است به امتهای پیشین که به غضب الهی محو شده‌اند . و نیز مشتمل است بر مواضعی که در انجیل آمده مانند قصه میلاد و معجزات حضرت عیسی .

الا اینکه قرآن کریم روشی غیر از روش تورات و انجیل دارد بدین معنی که به جزئیات مسائل و تفصیل قصص نپرداخته بلکه در همه جا به موضع عبرت اکتفا نموده است .

اما چون نفس انسانی مایل به استقصا و فهم جزئیات است بهمین منظور اصحاب نیز برای پی بردن به جزئیات این قصص و قضایا به اهل کتاب مراجعه می‌کردند نظیر عبدالله بن سلام و کعب الاحبار و غیره^۱.

مرجع چهارم (اجتهاد و استنباط)

اصحاب حضرت رسول هر وقت تفسیر آیه‌ای را در خود قرآن مجید نمی‌یافتند یا دسترسی به حضرت پیغمبر نداشتند به اجتهاد و اعمال رأی متوسل می‌شدند البته اجتهاد و استنباط هم ادواتی داشت که بدون آن ادوات اعمال رأی و اجتهاد امکان نداشت ادواتی که اصحاب در اجتهاد برای درک معنی آیه از آنها کمک می‌گرفتند عبارت بودند از :

۱- شناخت وضع لغت و اسرار آن

- ۲- آشنایی به سنن و عادات عرب جاهلی
 ۳- آگاهی از احوال یهود و نصاری در جزیره العرب به هنگام نزول قرآن .
 ۴- قدرت فهم وسعه ادراک^۱.

مرجع پنجم (اشعار جاهلی)

ابن عباس و دیگر صحابه برای فهم معنی الفاظ غریب که در قرآن مجید آمده به شعر جاهلی مراجعه می کردند و بدین ترتیب بز معنی لفظ غریب پی می بردند .
 حتی ابن عباس تشویق می کرد که هر کس می خواهد غریب قرآن را بداند به شعر جاهلی رجوع کند . ابن الانباری از او روایت کرده که گفته است : شعر دیوان عرب است - هر گاه حرفی از قرآن که خداوند آنرا بزبان عربی نازل کرده بر ما پوشیده ماند به دیوان عرب مراجعه می کنیم و از آنجا می جوئیم^۲.
 چنانکه نافع بن الأزرق از ابن عباس پرسید : مرا خبر ده از معنی «عن الیمین وعن الشمال عزین^۳» جواب داد که «عزین» یعنی جماعت . نافع پرسید : آیا عرب این را می داند ؟ ابن عباس جواب داد که آیا این شعر عبید بن الایرض را نشنیده ای :
 فجاؤوا یهر عون الیه حتی یکونوا حول منبره عزینا

۱- التفسیر والمفسرون ۱/ ۵۷ و ۵۸ .

۲- الاتقان ۲/ ۱۱۹ .

۳- قرآن ۷۰/ ۴۷ .

این روش - استفاده از شعر جاهلی در فهم غریب قرآن - حتی تا امروز جزو مراجع مفسران است .

مشخصات تفسیر در این دوره

مشخصات عمده تفسیر قرآن را در دوره نخستین به ترتیب زیر می‌توان خلاصه کرد :

- ۱- همه قرآن تفسیر نشده ، بلکه تنها جاهای دشوار آن تفسیر شده است .
- ۲- در فهم معانی آیات اختلاف خیلی کم است .
- ۳- غالباً به معنی اجمالی آیات بسنده کرده‌اند و به تفصیل معنی نپرداخته‌اند .
- ۴- در توضیح معنی لغوی آنچه فهمیده شده از کوتاهترین لفظ استفاده کرده‌اند .
- ۵- برای احکام فقهی به ندرت از آیات قرآن مجید استنباط علمی کرده‌اند .
- ۶- مذاهب دینی از آیات قرآن به نفع خود استفاده نکرده‌اند .
- ۷- علم تفسیر در این دوره تدوین نیافته است .
- ۸- تفسیر در این دوره شکل حدیث داشته و فرعی از آن بوده است^۱ .

دوره دوم (تفسیر در عصر تابعین)

دوره اول علم تفسیر با مرگ صحابه حضرت رسول پایان می‌یابد و دوره دوم از عصر تابعین آغاز می‌گردد که در حضور اصحاب پیغمبر تلمذ کرده و غالب معلومات خود را از آنان فرا گرفته بودند.

مراجع تفسیر در این دوره (عصر تابعین)

تابعین برای تفسیر آیات قرآن مجید معمولاً به مراجع زیر مراجعه می‌کردند:

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- آنچه صحابه از حضرت رسول روایت می‌کردند.
- ۳- آنچه صحابه از راه استنباط و اجتهاد بدست آورده بودند و نیز آنچه از اهل کتاب اخذ کرده بودند.
- ۴- اجتهاد و استنباط شخصی.

مدارس تفسیر در عصر تابعین

فتوحات اسلامی در اکثر بلاد عالم سبب شد که مسلمانان به سرزمینهای دور دست مسافرت کنند و دانشهای اسلامی را بسا خود به ممالک مفتوحه ببرند و بالتبجیه در این جاها مدارس علوم اسلامی به وجود آمد که استادان آنها صحابه و شاگردانشان تابعین بودند.

بعضی از این مدارس مخصوصاً در علم تفسیر شهرت یافت و در

آنجا بسیاری از تابعین از صحابه مشهور ، تفسیر فرا گرفتند. مشهور-
ترین این مدارس تفسیر سه مدرسه بودند :
مدرسه مکه ، مدرسه مدینه ، مدرسه عراق .

۱- مدرسه تفسیر در مکه

مدرسه تفسیر را در مکه عبداله بن عباس برپا داشت بدین ترتیب
که با دوستان تابعینش می نشست و نکات دشوار قرآن را برایشان توضیح
می داد . این توضیحات را تابعین بعد از او به دیگران روایت کرده اند.
مشهورترین شاگردان این مدرسه عبارت بودند از :
سعید بن جبیر ، مجاهد ، عکرمه ، طاووس بن کيسان یمانی ،
عطاء بن ابی رباح .

۲- مدرسه تفسیر در مدینه

هر چند در مدینه بسیاری از صحابه کتاب خدا و سنت رسول ص
را به شاگردانشان - تابعین - می آموختند و لسی بحق می توان گفت که
مدرسه تفسیر را در این شهر ابی بن کعب برپا داشت زیرا در مدینه
تابعین پیش از دیگران از او تفسیر آموخته اند و بیش از دیگران از او
روایت کرده اند . مشهورترین شاگردان مدرسه تفسیر در مدینه عبارت
بودند از :

زید بن اسلم ، ابوالعالیه ، محمد بن کعب القرطی

۳- مدرسه تفسیر در عراق

در عراق مدرسه تفسیر را عبدالله بن مسعود برپا داشت، هرچند مردم عراق علاوه بر او از دیگران هم تفسیر فرا می گرفتند اما او از همه مشهورتر بود و انگهی بیش از دیگران از او تفسیر روایت کرده اند . اهل عراق در تفسیر ممتازند بدین معنی که اهل رأی هستند و علما گفته اند که اساس این طریقه را ابن مسعود در استدلال وضع کرده و علمای عراق از او به ارث برده اند . طبعاً این طریقه در مدرسه تفسیر هم مؤثر بوده و در نتیجه تفسیر قرآن در این مدرسه بیشتر به رأی و اجتهاد تکیه داشته است . مشهورترین شاگردان این مدرسه عبارتند از: علقمه بن قیس ، مسروق ، اسودبن یزید ، مره همدانی ، عامر شعبی ، حسن بصری ، قتاده بن دعامه .

مشخصات تفسیر در عصر تابعین

مشخصات تفسیر را در دوره تابعین می توان به ترتیب زیر

خلاصه کرد :

۱- بسیاری از اسرائیلیات و نصرانیات در این دوره در تفسیر

وارد شد .

۲- تفسیر به روایت و تلقی متکی شد و مردم هر شهر از پیشوای

خود روایت کردند چنانکه مکی ها از ابن عباس و اهل مدینه از ابی و

مردم عراق از ابن مسعود روایت کرده اند .

- ۳- هسته اختلافات مذهبی در این عصر بوجود آمد و آرای پیشروان مذاهب در تفاسیر نیز ظاهر شد چنانکه قتاده متهم به قدری بود و بی‌شک عقیده او در تفسیرش مؤثر بود و حسن بصری نیز قرآن مجید را با اثبات قدر تفسیر کرده است .
- ۴- اختلاف بین تابعین در تفسیر بیش از زمان صحابه شد^۱.

دوره سوم (تفسیر در عصر تدوین)

پیش از پرداختن به دوره سوم شایسته است بدانیم که علم تفسیر از آغاز پیدایش تاکنون مراحل مختلفی را طی کرده که آن مراحل را می‌توان به اختصار چنین بیان داشت البته ذکر این نکته هم لازم است که این مراحل، مراحل علمی است نه زمانی، چه بسا دو مرحله در يك زمان طی شده است :

- ۱- مرحله اول، تفسیر روایتی است یعنی صحابه از رسول خدا و از همدیگر و تابعین از صحابه و از یکدیگر روایت می‌کنند .
- ۲- مرحله دوم، مرحله دوم تفسیر وقتی است که احادیث پیغمبر در بابهای گوناگون شروع به تدوین شده و تفسیر نیز یکی از این بابها را تشکیل می‌دهد ولی هنوز به صورت علمی مستقل و خاص تألیف نمی‌یابد بلکه دانشمندان در جاهای مختلف احادیث حضرت رسول را جمع می‌کنند و در جوار آنها هرچه از پیغمبر و صحابه و تابعین درباره آیات روایت می‌شود جمع‌آوری می‌نمایند این مرحله از نیمه

دوم قرن دوم تا نیمه اول قرن سوم هجری را اشغال می‌کنند. از مشهورترین علمای این مرحله یزید بن هارون متوفی در ۱۱۷ ه. شعبه بن حجاج متوفی در ۱۶۰ و وکیل بن جراح متوفی در ۱۹۷ را می‌توان نام برد که همه اینها از ائمه حدیث بودند که تفسیر را در بابی از ابواب حدیث می‌آوردند.

مرحله سوم، در مرحله سوم تفسیر از حدیث جدا شده، به صورت علم مستقلی درمی‌آید و برای هر آیه قرآن تفسیر بوجود می‌آید که بوسیله دانشمندان این دوره و دوره بعد رو به تکامل می‌گذارد. این مرحله در قرنهای سوم و چهارم هجری طی می‌شود. از مشهورترین علمای تفسیر این مرحله ابن ماجه متوفی در ۲۷۳ ه. و ابن جریر طبری متوفی در ۳۱۰ ه. را می‌توان نام برد.

مرحله چهارم، تا مرحله سوم تفسیر از حدود مآثور تجاوز نمی‌کند ولی در مرحله چهارم هر چند مفسران باز هم اقوال مآثور را نقل می‌کنند ولی غالباً به قائل آنها اشاره می‌نمایند در نتیجه این عدم اسناد، درست و نادرست در تفسیر راه می‌یابد. ورود اسرائیلیات و نصرانیات هم در این مرحله ظهور می‌کند.

مرحله پنجم، مرحله پنجم از قرن سوم تا امروز ادامه دارد، تا این مرحله تفسیر به نقل روایات از پیشینیان مقصور بود، اما از این مرحله بعد، فهم عقلی با تفسیر نقلی مخلوط می‌شود و مفسران از این بعد تنها به نقل روایات و آرای گذشتگان قناعت نمی‌ورزند بلکه اندیشه و فهم و درک و استنباط خود را نیز در تفاسیر می‌آورند.

و اما دوره سوم علم تفسیر مقارن اواخر بنی امیه و اوایل بنی عباس آغاز می شود و تا امروز ادامه دارد. تا این دوره، تفسیر شفاهی بوده به صورت تدوین و تألیف نیامده بود از این بعد، علم تفسیر تدوین می یابد و تفاسیر گوناگونی بوجود می آید. امروزه هر تفسیری به صورت خطی یا چاپی در اختیار داریم مربوط به دوره سوم می باشد و هنوز از دوره دوم تفسیری بدست نیامده است.

مراجع تفسیر در دوره سوم

از آغاز دوره سوم، نظر براینکه اصول تفسیر بردو گونه شد: تفسیر به مأثور و تفسیر به رأی - که اگر خدا یسأوری کند، در شماره بعد مقاله مستقلی در این موضوع تقدیم خوانندگان خواهد شد. مراجع تفسیر هم متنوع شد بدین معنی که در ادوار پیشین مراجع تفسیر محدود بود ولی در این دوره مراجع فزونی یافت. از طرف دیگر هرچه زمان گذشت تشخیص اصالت مرجع دشوار شد بحدی که مفسر قرآن در این دوره علاوه بر دانشهای مورد نیاز علم تفسیر، مجبور است جنبه احتیاط را نیز در همه روایات و آرای پیشینیان بسیار رعایت کند تا مبادا در نتیجه عدم دقت اشتباهات پیشینیان را عیناً در تفسیر بیاورد. اهم مراجع تفسیر را در این دوره بشرح زیر می توان خلاصه کرد:

- ۱- قرآن مجید
- ۲- احادیث منسوب به حضرت رسول ص
- ۳- روایات صحابه و تابعین
- ۴- نظریات و آرای مفسران پیشین

- ۵- آرای مذاهب مختلف اسلامی
- ۶- تاریخ عرب تا ظهور اسلام
- ۷- جغرافیای سرزمینهای عرب و سرزمینهای همجوار
- ۸- رسوم و آداب و عقاید عرب جاهلی
- ۹- ادبیات منظوم و منثور دوره جاهلیت .

منابع مورد استفاده

- ۱- قرآن مجید .
- ۲- الاتقان فی علوم القرآن ، تألیف جلال‌الدین السیوطی .
- ۳- البرهان فی علوم القرآن ، تألیف الزرکشی ، مصر ۱۹۷۲ م .
- ۴- تاریخ آداب‌اللغة العربية ، تألیف جرجی زیدان ، مصر ۱۹۵۷ م .
- ۵- تاریخ‌الادب‌العربی ، تألیف عمر فروخ ، بیروت ۱۹۶۹ م .
- ۶- التفسیر والمفسرون ، تألیف محمد حسین‌الذهبی ، مصر ۱۹۶۱ م .
- ۷- دائرة‌المعارف قرآن کریم ، تألیف حسین عمادزاده .
- ۸- مخبرالاسلام ، احمد امین مصری ، بیروت .
- ۹- مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن ، الطبرسی ، تهران ، چاپ افست .
- ۱۰- وفیات‌الاعیان ، ابن‌خلکان ، تحقیق : الدكتور احسان عباس .